



گزارش ویژه از اعتراض خیرتکاران صداوسیما
فریاد اعتراض از اتاق شیشه‌ای جام جم
 صفحه ۲



افغان‌ها قصد ورود به مجلس دارند
ده هزار میلیارد هزینه تحصیل افغان‌ها
 صفحه ۲

اداره دامپزشکی شهرستانی با دور زدن مقامات قضایی شبانه گاوهای شیرده آبستن یک دامدار را کالباس کرد!
کشتار شبانه ۷۰ گاو شیرده توسط دولت
 نماینده
 صفحه ۲

گفتگو
۴ سال دویدم تا شیر خوار گاه هدیه کنم! انسیه خزعلی هم کاری نکرد اجازه ندادند کار خیر کنم!
از کار خیر انصراف دادم
 صفحه ۳

افزایش ۲۰ درصدی خودکشی در کشور
 صفحه ۳

توانستند میدان آزادی را بخرند!
افشای پرونده سد خواری در جنوب تهران
 ادامه پرونده دامگستر
 صفحه ۲

رفاه
 سید هادی کسایی زاده
 مدیرمسئول و سردبیر

فروشگاه رفاه و حاشیه‌ها

فرقی ندارد به کدام شعبه فروشگاه زنجیره ای رفاه مراجعه کنید. هر کجا بروید آسمان همین رنگ است و با فاجعه بزرگ غارت فروشگاه روبرو هستید. تمامی قفسه ها خالی از کالا شده و گاهی برای پر کردن قفسه مجبورند با چیپس و پنک یا مایع ظرفشویی گلی آن را پر کنند. وقتی سوال می کنید چرا خالی است می گویند: انبار گردانی داریم؟ در حالی که در انبارها هیچ چیزی از کالا نیست. علت کاملاً مشخص است و آن اینکه تامین کنندگان کالا در فروشگاه رفاه دیگر هیچ کالایی تامین نمی کنند چون بیش از هزار میلیارد تومان از این فروشگاه طلب دارند. از برنج و سوسیس و کالباس گرفته تا لوازم آرایشی و شکلات و غیره که گاهی تانیمه های شب جلوی دفتر مرکزی می ایستند تا طلبشان نقد شود. برخی از آنها یک سال است ریالی دریافت نکرده اند. موضوع را از علی صرافان از سرمایه گذاران اصلی رفاه جویا شدیم که در پاسخ گفت: علت مدیران قبلی هستند که ما را در قرض و بدهی و سوء مدیریتشان فرو برده اند. قصد ما ایجاد فروشگاه رفاهی قدرتمند برای تامین نیاز مردم با قیمت مناسب است. قفسه های خالی قطعاً وضعیتشان بهتر خواهد شد و بدهی ها را پرداخت خواهیم کرد. فقط باید صبور باشید و به ما فرصت دهید. اظهارات صرافان در حالی است

که تامین کنندگان فروشگاه رفاه دیگر کاسه صبرشان به سر آمده و برخی قصد شکایت در دادگاه دارند. شنیده شده برخی هم به دلیل عدم پرداخت ها سخته کردند و سلامتی آنها به خطر افتاده است. خالی شدن فروشگاه های زنجیره ای رفاه موجب شده تا مردم به سمت فروشگاه های زنجیره ای هفت، جامبو و هایپرمی و غیره بروند اما فقط هایپر استار و شهروند فراوانی و تنوع محصول دارند که متأسفانه به دلیل گران بودن کالاهایشان فقط اقشار مرفه جامعه مشتری آنها هستند. در حالی که فروشگاه های زنجیره ای رفاه رقیب سرسختی برای شهروند و هایپر استار بودند چرا که از نظر فراوانی محصول برابری داشته و قیمت پایین تری هم به مشتری عرضه می کردند. فروشگاه های زنجیره ای رفاه با بیش از ۱۸ هزار نیروی کار با بیش از ۱۴۰۰ نمایندگان بزرگ در شهرهای کشور به تازگی مدیرعامل خود را برکنار کرده و مدیر جدیدی را منصوب کرده است. قول و وعده سرمایه گذاران اصلی رفاه نشان می دهد که قرار است تا پایان مهرماه اتفاقات خوبی برای این فروشگاه رقم بخورد. به شرط آنکه این قول ها محقق شود.

سیاست ما عکس دیانت ماست

سید هادی کسایی زاده
 مدیرمسئول و سردبیر

ایجاد افسردگی و ناامیدی در جامعه، افزایش طلاق، کاهش فرزندآوری، افزایش فساد، دین گریزی، افزایش سقط جنین، افزایش ترک تحصیل دانش آموزان، افزایش مهاجران قاچاق افغان، افزایش قاچاق و غیره نگران و ناامید به بهبود اوضاع باشد! جالب تر آنکه مسئولان کشور مانع از انتشار هرگونه آمار رسمی از آسیب ها شده اند تا مردم اطلاعی از وضعیت موجود کشور نداشته باشند. انگار مسابقه بزرگی در انتصابات نزدیکان و خویشان برای بهره برداری ویژه از سفره انقلاب است تا عقب نیفتند. و این همان موضوع اصلی است که سیاست ما عکس دیانت ما شده و همین سیاست غلط موجب ضربه زدن به دین شهروندان و اعتقادات آنها شده است. کارشناسان و صاحب نظران سکوت تلخی اختیار کرده اند و دیگر کسی راهکاری ندارد و همانند بیماری که تمام وجودش مملو از سرطان شده باید برای آن دعای خیر کرد. شاید بگویند این سخنان بی انصافی یا سایه نمایی و خود تحقیری است اما هیچ وقت این نکته را فراموش نکنید و آن اینکه وقتی یک روزنامه نگار با تجربه چنین سخنانی را بیان می کند باید بترسید چرا که بزرگترین هشدار و زنگ خطر برای مدیریت اجرایی کشور است. راهکاری وجود ندارد چرا که قانونگذاران هم خود عامل گره شده اند.

دین از سیاست جدا نیست؛ اما این نکته برای مدیرانی است که هم دین را می دانند و می فهمند و هم بر سیاست چیرگی و برتری دارند. وقتی مدیری آلوده حرص، طمع، شهوت، خودخواهی، رانت و فساد شود و سواد و آگاهی لازم هم در امور محوله نداشته باشد هم دین را آسیب می زند و هم سیاست را از بین خواهد برد. نقد درد دارد و این درد همانند سوزن واکسن و یا آمپول پلی سیلین شیرین است چون دریافت کننده نقد می داند که هدف نویسنده بهبود وضعیت و صلاح اوست. اما وقتی فرد، تفکر دیکتاتوری دارد اجازه هرگونه صدا و نقدی را نمی دهد و نویسنده یا همان روزنامه نگار یا باید سکوت کند و یا عموماً درآمد خود را صرف راهروی محکمه هار دهد. متأسفانه امروز دچار یک سردرگمی پیچیده ای شده ایم که هر روز گره ها کورتر می شوند. بخشی از مدیریت کشور به طور حرفه ای در حال توسعه و رشد است و بخشی دیگر رو به افول و تخریب دستاوردهای گذشته پیش می رود. آدمی نمی داند از توسعه روزافزون صنایع دفاعی خوشنود باشد یا از تخریب محیط زیست، از بین رفتن تدریجی میراث فرهنگی، افزایش خودکشی،



ماهنامه سراسری میدان آرژا، شماره ۷، شهریور ماه ۱۴۰۲

گزارش ویژه میدان آزادی



پس از مصاحبه سید هادی کسبایی زاده روزنامه نگار با انصاف نیوز و بازتاب آن در روزنامه جمهوری اسلامی و همچنین مصاحبه با شبکه الجزیره در مورد تهدید مهاجران افغان به ایران رسانه ها به این موضوع ورود کردند. سید ابوالحمید احمدی معاون سابق وزارت ورزش در جدیدترین مصاحبه خود با سایت خبری جمران گفته است: بعد از قدرت گرفتن طالبان در افغانستان، در کشور خودمان با چه حجم قابل توجهی از جمعیت افغانستانی خواهان مهاجرت به ایران مواجه بودهایم؟ طبعاً یک عده از آنها نیز می‌خواستند به اروپا یا کشورهای دیگر بروند، اما حجم جمعیتی که به طرق قانونی یا قاچاق وارد ایران شدند با کسانی که به عنوان مثال به سایر کشورها از جمله کشورهای اروپایی با شرف آسیا رفتند اصلاً قابل قیاس نیست. طبق آمارهای رسمی و غیر رسمی در شرایط کنونی بالای ۱۰ میلیون افغانستانی ساکن در ایران داریم. آیا این حجم جمعیت قابل توجه نیست؟! آیا به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، معیشتی، رفاهی، بهداشتی و غیره نیاز به مدیریت ندارد؟! اظهارات او در حالی است که سید هادی کسبایی زاده روزنامه نگار می گوید: در سال ۱۳۸۹ بر اساس آمارهای رسمی جمعیت افغان ها ۳ میلیون نفر اعلام شد و در سال ۹۸ ها هم به گفته وزارت امور خارجه این عدد همان ۳ میلیون اعلام شد که غیرعادی است. چرا که در سرشماری اخیر اتباع فقط ۲ میلیون افغانی شرکت کردند و آمارهای میدانی چند برابر این میزان است به نحوی که وزیر کشور اخیرا در واکنش به مصاحبه اینجانب عدد ۵ میلیون نفر را اعلام کرده است. بر اساس آمارهای رسمی امروز بیش از ۷۰۰ هزار دانش آموز افغان در مدارس کشور به طور رایگان تحصیل می کنند که هزینه سالانه حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان است و این آمار برای دانشجوین افغان ۲۵۰۰۰ نفر است که هزینه آن بیش از ۱۴۰۰ میلیارد تومان می شود و ۱۵۰ هزار افغان هم تحت پوشش بیمه سلامت هستند. جالب آنکه بیش از ۸۰هزار کودک حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع که بیشتر افغان هستند در ایران داریم. نکته دیگر



پرونده ویژه

ادامه پرونده دامگستر

سد خواری به ادبیات فسادکشور افزوده شد

اگر اقدام سر بازان گمنام امام زمان(عج)در جنوب تهران نبود امروز هزاران هکتار زمین و حتی سد آبی در اختیار زمین خواران بود. در این پرونده حتی نماینده تهران در مجلس و خبرگزاری ایلنا و صدا و سیما هم از متخلفان دفاع کردند.

افغان ها قصد ورود به پارلمان ایران را دارند و این خطر جدی است

ایستگاه بعد؛ مجلس شورای اسلامی ایران

وقتی با آنها گفتگو می کنیم مدعی هستند که ایران بخشی از وطن آنهاست و باید سهم آنها پرداخت شود. آنها دیگر مهاجر نیستند و تعدادشان آنقدر زیاد شده که اراده کنند می توانند شهر یا استانی را با چالش روبرو کنند. هر چند هم زبان هستیم اما بسیاری از افغان ها بدون هویت اصلی خود در کنار مازندگی می کنند و این یک تهدید امنیتی است.

که لازم است منتقدان بدانند و در ذهن خود حک کنند آن است که در سال ۹۸ افغان ها ۲ میلیون فرصت شغلی را در ایران اشغال کردند که این عدد امروز به ۳ میلیون فرصت شغلی خواهد رسید. تاسف آور آنکه افغان های شاغل در ایران سالانه حدود ۵ میلیارد یورو یعنی چیزی حدود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان می شود. آمارها می گویند که ۶ هزار زندانی افغان در زندان ها داریم که بر اساس سرانه هر زندانی هزینه نگهداری آنها سالانه بیش از ۷۲۰ میلیارد تومان می شود و این هزینه برای دادگاه ها و دادرسهای ایران جهت رسیدگی به این پرونده های بیش از ۵ تا ۵ میلیارد تومان می شود. البته در کنار این هزینه ها باید یارانه دولت بر مصرف انرژی، مواد غذایی، حمل و نقل، امنیت و غیره را هم اضافه کرد. لازم به ذکر است که حضور اتباع افغان غیر از هزینه بر بودن آنها برای دولت ایران آسیب های دیگری را هم به همراه داشته است. در سال ۹۳ تعداد ۱۰۰ فقره قتل از سوی اتباع رخ داده که این آمار امروز همره با جرائمی همچون قاچاق مواد مخدر، سرقت و جرایم علیه اشخاص افزایش داشته است. امروز شهروندان تهرانی، اصفهانی و مشهدی بیشتر از سایر استان های کشور شاهد هجوم فرزندان افغان در سرچهارراه ها برای تکدی گری هستند. کودکان کاری که بعضا مورد تعرض جنسی یا خشونت قرار گرفته و بسیاری از آنها بیماری های خاص مانند ایدز دارند. بعنوان یک روزنامه نگار تحقیقی و میدانی اعلام می کنم که در جنوب تهران مانند بخش کهریزک و حسن آباد فشافویه افغان های کلونی های گسترده و منسجمی ایجاد کردند و آماری تقریبی به عقیده من بیش از یک میلیون نفر است. آنها با گسترده گی زیاد بسیاری از روستاها مانند کبیر آباد، مجیدآباد، اشرف آباد و … را تسخیر کردند و این روستاها خالی از شهروندان ایرانی است. حضور افغان های غیرمجاز که به صورت پنهانی از سوی قاچاقچیان انسان مستقیم از مرز به سمت بخش کهریزک منتقل می شوند مافیای پلاستیکی را هم تقویت کرده به نحوی که زمین های کشاورزی در روستای مقصر و اطراف کهریزک که به صورت غیرقانونی



گفتگو با مادر هائیه خیر بوشهری

اجازه ندادند کار خیر کنم! بوشهر شیر خوار گاه خوب ندارد



گفتگو | ماهنامه سراسری میدان آزادی |

فیلم این مادر جنوبی و خونگرم در فضای مجازی دست به دست شد که دلسوزانه به مسئولان استانی می گفت: دیگر نمی خواهم کار خیر کنم. از طریق دوستان توانستم تلفن همراهِ او را پیدا کنم و قبول کرد گفتگوی کوتاهی باهم داشته باشیم. نامش پریسا امیری دارای کارشناسی ارشد روانشناسی و مدیر و موسس فرهنگسرای امیری و موسسه خیریه سرای مهرهائیه است. اهل بوشهر و دو دختر و یک پسر دارد و دخترانش را از دست داده است. او که در خانواده فرهنگی و سینمایی بزرگ شده می گوید: در سال ۹۸ هائیه ۲۵ ساله ام که هنرمند قابلی بود را بر اثر یک حادثه از دست دادم و برای تسلی روح بازماندگان و شادی روح دختر عزیزم تصمیم گرفتم چندین کار خیر و ماندگار برای او انجام دهم. پس از پرس و جو متوجه شدم استان بوشهر شیر خوار گاه کچهز و استانداری ندارد و تصمیم گرفتم برای ساخت آن اقدام کنم. به بهزیستی استان مراجعه کردم تا در روز ۲۵ اسفند ۱۳۹۸ روز تولد هائیه تفاهم نامه ساخت شیر خوار گاه امضا شود. خواسته ما دادن زمین و ساخت شیر خوار گاه و تحویل آن به دولت بود به شرطی که نام آن هائیه باشد. به جهت تسریع در امور خیرین و اهمیت توجه به خواسته ما دو سال بعد یعنی در سال ۱۴۰۰ زمین را به ما اختصاص دادند. با صدور مجوزها گودرداری آغاز شد و فنداسیون را تمام کردیم. کار داشت به ستون ها می رسید که شهرداری بوشهر کار را متوقف کرد و مجبور شدیم بتون ها را دور بپرزیم و در بیابان تخلیه کنیم.

در سال ۱۴۰۰ پس از انتشار یک کلیپ گلایه آمیز معاون سیاسی استاندار بوشهر من را دعوت کرد و با حضور معانان استاندار، فرماندار، شهردار، بهزیستی و غیره قرار شد کمیته ای باریاست فرماندار بوشهر تشکیل شود تا یک هفته ای کار به سرانجام برسد. اما هیچ اقدامی رخ نداد. سوال اصلی ما این است که چه مشکل بزرگ و یا شفاف تر عرض کنم چه غرض ورزی در ساخت این مکان عام المنعفه، در شهرداری بوشهر وجود دارد که قریب به چهل و چند ماه است همچنان لاینحل مانده و هیچکدام از مسئولان از بالاترین رده تا پایین ترین قادر به حل آن نیستند؟ در این چند وقت ما هر چه دویدمیم به بن بست رسیدیم و به حال شهر و استانمان تأسف خوردیم.

برای همین دوباره کلیپ را منتشر کردم. هدف ما از پخش این کلیپ علاوه بر اعلام انصراف از اقدام برای کار خیر، رساندن صدای اعتراضمان به گوش مسئولان بود که فقط یکی از مدیران با ما تماس گرفت. از همین رسانه هائیه میدان آزادی تشکر می کنم از جناب آقای مهر انگیز رئیس دادگستری استان بوشهر بابت پیگیری و توجهشون در شرایطی که هیچکدام از مسئولان استان و شهر بوشهر هیچ واکنش و احساس مسئولیتی در قبال این موضوع نشان ندادند. در این دو سال اخیر دوندگی ها و پیگیری های جناب آقای دکتر اسدی راد مدیر کل اسبق بهزیستی استان قابل تقدیر است اما به دلایل مذکور ما دیگر از لحاظ روحی و روانی توان جنگیدن با مواعی که یکی پس از دیگری در این مسیر ظاهر می شوند را نداریم. آنقدر در این مسیر دویدمیم و وعده های پوچ شنیدیم که واقعا از هر اقدامی که یک طرف آن دولت باشد خسته و دلزده شده ایم و اعتمادمان را به تمام ارگان های دولتی از دست داده ایم. جناب آقای رئیس جمهور نام دختر مرحومه من، هائیه عباسی متولد ۱۳۷۳ دارای کارشناس ارشد گرافیک هنر مند (گرافیسث و نقاش)، مدرس نقاشی در فرهنگسرا و دبیر هنرستان هنرهای زیبا است که قرار بود از بهمن ماه سال ۹۸ بعنوان مدرس در دانشگاه فرهنگ و هنر مشغول بکار تدریس شود. به شدت عاشق بچه ها و همیشه دغدغه بچه های بی سرپرست را داشت ، همیشه در آموزش به این بچه ها و همچنین فروش تابلوهای نقاشی خود به نفع این کودکان پیشقدم بود. آذرمه سال ۱۳۹۸ بر اثر سانحه تصادف آسمانی شد و در قطعه هنرمندان بهشت صادق بوشهر در کنار پدر بزرگش آز میده است. اقداماتی که بعد از کوچ هائیه تا کنون در شهر بوشهر انجام دادیم شامل تاسیس یک موسسه خیریه به نام سرای مهر هائیه در بوشهر، با هدف رسیدگی به کودکان کار و کودکان بی سرپرست است. همچنین برگزاری نمایشگاه کتاب به نفع کودکان بی سرپرست و برگزاری نمایشگاه نقاشی و فروش آثار به نفع این کودکان و احداث شیر خوار گاه هائیه در بوشهر که قرار بود مجهز ترین و استنادارد ترین شیر خوار گاه در جنوب کشور باشد که متاسفانه به بن بست رسید و ما را از ادامه بقیه اقدامات مان دلسرد کرد. آقای رئیس جمهور و سران قوا، با توجه به تجربه تلخ چهل و چند ماهه و حتی اطلاع رسانی به معاون رئیس جمهورو بازدید سرکار خاتم خزعلی از پروژه شیر خوار گاه انتظار خاصی ندارم و فقط می توانم بگویم: از ما که گذشت و اعتماد از دست رفته مان به وعده های پوچ مسئولان به هیچ عنوان بر نخواهد گشت. اما الاقل برای اینکه خیرین دیگر از کار خیر خسته و پشیمان نشوند یک کاری کنید و آن پیدا کردن مقصر کتاهی ها، کم کاری ها و توقف این شیر خوار گاه است. پس لطفاً خواهش می کنم برای اینکه خیرین دیگر را از سرمایه گذاری در این مرز و بوم فراری نداده اند درون ساختار ضعیف اداری تان به دنبال مقصر بگردید و پاسخگو باشید هر چند نمی داثم چگونه می خواهید پاسخگوی اعتماد از دست رفته ما و کودکان بی پناهی باشید. اگر نماینده مجلس بودم حتما توصیه میکردم قانونی وضع شود که در آن تمام ارگان ها و نهادهای دولتی را موظف کنند که هر کدام یک سهمیه برای استخدام خنتران و پسران بی سرپرستی که بعد از رسیدن به سن هجده سالگی از مراکز نگهداری بیرون رانده و در جامعه و ها می شوند، در نظر بگیرند.



ماهنامه سراسری میدان آزادی، شماره ۷، شهریور ماه ۱۴۰۲

گزارش ویژه میدان آزادی

افزایش ۲۰ درصدی خودکشی در کشور نگران کننده است



گزارش | ماهنامه سراسری میدان آزادی |

رتبه ایران در میان کشورها از نظر خودکشی در گزارش های مختلف متفاوت است و از ۵۸ تا ۱۲۸ گزارش شده، اما آخرین رتبه ایران در فهرست سازمان جهانی بهداشت ۱۲۸ است. پس از شیوع پاندمی کرونا آمارهای خودکشی در کشورهای جهان به روزرسانی نشده اما در این میان برخی عنوان می کنند که عواملی از جمله مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران به کاهش شادی، افزایش افسردگی و یأس در جامعه و روند صعودی خودکشی

منجر شده، اما آنچه مشخص است، ایران هنوز در جمع کشورهای با نرخ خودکشی بالا قرار ندارد. حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در مورد وضعیت خودکشی در کشور می گوید: خودکشی قابل پیشگیری است. به همین دلیل جامعه جهانی با هدف افزایش آگاهی نسبت به این موضوع، ایجاد حساسیت در مدیران این حوزه و ارائه راهکارهای مختلف جنین روزی را نامگذاری کرده اند. اگر یک آسیب اجتماعی قابل پیشگیری است باید آن را به جامعه هشدار داد و در این زمینه آگاهی را بالا برد همچنین پیشگیری از خودکشی هم یک کار همگانی است. بر اساس آمارهای رسمی، سال ۹۶ در ایران حدود ۶۲۶۵ فوتی ناشی از اقدام به خودکشی ثبت رسمی شد. در سال ۱۴۰۰ اما تعداد این فوتی ها به ۶۲۴۴ نفر رسید. موسوی چلک می گوید: آمار خودکشی در سال ۱۴۰۱ محرمانه است، اما می توانم بگویم که تعداد آنها بیشتر شد. به طور کلی روند فوتی های ناشی از اقدام به خودکشی در کشور افزایش است. در سال ۹۶ شاخص خودکشی به ازای صد هزار نفر جمعیت ۵.۵ بود. سال ۱۴۰۰ اما این شاخص به ۷.۴ به ازای صد هزار نفر جمعیت رسید. این روند افزایشی ۲ درصدی در بازه پنج ساله، بسیار زیاد و نگران کننده است. این در حالی است که قبلا این شاخص در بازه ۱۰ ساله ۰/۲ بوده. همچنین در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۸ درصد از فوتی های ناشی از اقدام به خودکشی را زنان تشکیل می دادند. با این حساب آمار فوتی های ناشی از اقدام به خودکشی در مردان بیشتر است. به گزارش ماهنامه سراسری میدان آزادی، آمارهای رسمی می گویند که آمار خودکشی در سال ۱۳۹۸ تعداد ۵۱۴۳ نفر و این آمار در سال ۱۳۹۹ عدد ۵۵۶۶ نفر را نشان می دهد. که پس از استان تهران بیشترین آمار خودکشی در استان های خوزستان، فارس و آذربایجان شرقی ثبت شده و کمترین آن برای استان سمنان، یزد و هرمزگان است. بر اساس آمارها بیشترین شیوه خودکشی در کشور حلقی آویز با ۵۳ درصد و پس از آن مسمومیت با سم، مسمومیت درویی و سوختگی گزارش شده است. در این آمارها بیشترین متوفیان اقدام به خودکشی افراد ۳۹ تا ۳۹ سال و پس از آن ۱۸ تا ۲۴ سال هستند. میزان سواد این افراد به ترتیب بیشترین آمار خودکشی راهنامی ۲۷ درصد، دبلم و پیش دانشگاهی ۲۲ درصد و ابتدایی ۱۷ درصد می باشند. بر اساس تحقیقات انجام شده ۲۸ درصد این افراد شغل آزاد، ۲۱ درصد خانه دار، ۱۱ درصد بیکار و پس از آن دانش آموزان، کارگران و سایر مشاغل هستند. سید هادی کسبایی زاده روزنامه نگار می گوید: در کشور اسلامی مانند ایران که شهر و ندان به عقاید دینی پاینده هستند و خودکشی را گناهی نابخشودنی می دانند این آمارها بسیار نگران کننده است. بر اساس کتب آسمانی واحادیث و قرآن کریم، کسی که خودکشی می کند همانند یک قاتل و مجرم در پیشگاه خداوند حاضر می شود. چون او هم یک نفر را کشته و آن فرد، خود شخص است. بنابراین خودکشی همان قتل است و فرد قاتل محسوب می شود. اما چرا باید یک جوان مسلمان در ایران تا پای خودکشی پیش رود. در خبرهایی که مشاهده می کنید افسردگی، بی پولی، پوچی، شکست عشقی و غیره بیشترین دلایل خودکشی را به خود اختصاص داده اما متأسفانه دولت و قوه قضائیه با سرپوش گذاشتن و پنهان کردن آمار و دلایل خودکشی و عدم ورود دانشجوین، رسانه ها و محققان به واکاوری و ریشه یابی خودکشی در کشور ناخواسته در جهت افزایش خودکشی پیش قدم شده اند. افزایش ۲۰ درصدی خودکشی در کشور نشات گرفته از وضعیت اسفبار اقتصادی، افزایش بیکاری، افزایش ناامیدی در جامعه، گسترش دروغگویی، فریب و فساد در بیان و رفتار برخی مسئولان و نبود آزادی های اجتماعی از دلایل دیگر بذرخودکشی در جامعه خواهد بود. آرزو دکایی فر معاون سازمان بهزیستی کشور معتقد است افزایش خودکشی پس از دوران کرونا، اعمال محدودیت های کرونایی، تعطیلی کسب و کارها و ناراحتی های روحی خانواده ها به دلیل فوت یا عارضه دار شدن برخی اعضای خانواده به دلیل ابتلا به کرونا است. وی گفته است: سه علت اصلی خودکشی در کشور مسائل خانوادگی، اعتیاد و اختلالات روانی است. کسبایی زاده می گوید: اظهارات بهزیستی پایه و اساسی ندارد چون آنها هیچ آمار درستی ندارند و در کل کشور مشکل آمار و تحلیل آماری دارم این روزنامه نگار می گوید: اختلالات روانی و اعتیاد از کجا پدید می آید؟ قطعاً از مشکلات اقتصادی و رفتاری های اجتماعی و کوتاهی دولت ها به خدمات اجتماعی و فرهنگی است. چرا در برخی کشورهای اروپایی که مسلمان هم نیستند چنین آمارهایی از خودکشی وجود ندارد؟ مرگ روزانه ۱۶ نفر بر اثر خودکشی در ایران یک هشدار جدی برای مسئولان است چرا که اگر این اقدام رهاگر برای فرار از سختی ها شود جامعه دچار بحران خواهد شد. بادهی است که گناه خودکشی بر شانه برخی مسئولان بی لیاقت، درد، فاسد را، راکا، حریص، گناهکار، بی مسئولیت، خائنسانس، بی فرهنگ، شهوت ران و بی سوادسنگینی خاصی خواهد داشت و باید در آخرت پاسخگوی جوانانی باشند که برای می مسئولیتی آنها در دنیا زندگی و جوانی و آرزوهایشان را از دست داده اند.





ماهنامه سراسری میدان آزادی
(اجتماعی-سیاسی)

شماره: ۷
۳۱ شهریورماه ۱۴۰۲
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی کسایی زاده

چاپخانه: آیین چاپ

خبرنگار، طراح و سردبیر:
سید هادی کسایی زاده

آدرس:
تهران-خیابان آیت الله کاشانی-خیابان
بهنام-کوچه بهنام سه-ساختمان پارسه
واحد ۴-تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴



معاون سیاسی رسانه ملی

هشدار مخفیانه گروهی از خبرنگاران

فریاد اعتراض از اتاق شیشه‌ای جام جم

بازتاب گسترده نامه جمعی از کارکنان و خبرنگاران معاونت سیاسی رسانه ملی به رهبرانقلاب ابعاد پیدا و پنهانی به خود گرفته است.

گفتگو | ماهنامه سراسری میدان آزادی

۱۴ شهریورماه ۱۴۰۲ نامه ای سرگشاده به رهبرانقلاب از سوی جمعی از کارکنان و خبرنگاران معاونت سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی به دست سید هادی کسایی زاده (روزنامه نگار) رسید و این نامه رسماً در سایت خبری جامعه خبرمنتشر شد. در بخشی از این نامه آمده است: با انتصاب جلیلی بعنوان رئیس سازمان و انتصاب جلیلی بعنوان قائم مقام و علیرضا خدابخشی بعنوان معاون سیاسی (از بستگان آقای جلیلی و رستوران دار سابق) جز ادبیات زنده، متروکه کردن طبقه چهارم ساختمان شیشه ای، نابود کردن باشگاه خبرنگاران جوان با آن همه هزینه و سابقه، کاهش کیفیت بخش های خبری رسانه ملی، نارضایتی کارکنان، گاف های بسیار در خروجی برنامه های خبری، کاهش نشاط و انگیزه کاری در معاونت، بی برنامه گی در آستانه انتخابات مجلس، تعطیلی شائبه دار و مشکوک مجله خبری، تیر امشب، رو در رو، گزارش هفتگی و نگاه یک از برنامه های خبری سیما، فعالیت و حضور افرادی خارج از سازمان در تحریریه، حضور سردبیران و دبیرانی بدون سواد و تجربه کافی در میزهای اقتصادی و دفاعی تحریریه خبر، به حاشیه راندن خبرنگاران حرفه ای سیما، حذف برنامه خبری هشتک ها و روایت ها که دست رسانه های معاند را رو می کرد، حذف شبکه «مردم خبر» در فضای مجازی، کم رنگ شدن پیگیری شعار سال در بخش های خبری، جایگزینی کمیت به جای کیفیت در کار و تبعیض در پرداخت دستمزدها و حقوق ها به آن اشاره شده است. البته تیم خدابخشی پس از انتشار این خبر آرام نگرفت و از طریق برخی هوادارانش مثل ی س طی تماسی با سید هادی کسایی زاده روزنامه نگار و تماس از سوی شبکه خبر برای حضور کسایی زاده در برنامه زنده تلویزیونی قصد داشتند سر از کار او در آورند و به نوعی از اسامی امضاکنندگان نامه به رهبرانقلاب مطلع شوند. جالب تر آنکه آنها هم خطاب به رهبرانقلاب بیانیه یا همان نامه ای مرقوم کردند. تیم جلیلی، جلیلی و خدابخشی در این بیانیه با ذکر بی نام و نشان بودن نامه به رهبرانقلاب قصد داشتند بی هویت بودن آن را نشان دهند در حالی که هر کودکی می داند که معمولاً در چنین نامه هایی اسامی منتشر نمی شود بلکه نفس نامه و اهمیت و محتوای آن ارزش دارد. اگر این نامه دروغ و کذب بود می توانستید تکذیب یا

افشا کنید اما به جای پاسخ اصل نامه را زیر سوال بردید! در ضمن چرا خودتان در بیانیه و نامه که در فضای مجازی منتشر کردید نام و نشان و امضاء ندارید؟ ترسیدید؟ چرا در نشست خبری اعلام نکردید؟ اگر اوضاع بر وفق مراد است چرا باید مدیر پخش خبر رسانه ملی محل کارش را ترک کند و برود؟ که آن را هم باز فقط خودم (کسایی زاده) منتشر کردم. در بیانیه حامیان خدابخشی و دوستان آمده است تحولات ساخت و ساز و تخریب را انجام دادیم چون ساختمان شبکه خبر اجاره ای بود و می خواستیم جایجا کنیم؟! مگر ساختمان شبکه خبر خارج از سازمان است؟ چطور ملک خودتان را خودتان اجاره کردید؟ نکته دیگر آنکه آقایان مدعی حرفه ای شدن بخش های خبری شدند در حالی که ساخت و خانه های ۲۵ متری در تهران از آنتن رسانه ملی بیرون آمد که شورای شهر تهران تکذیب کرد اما روزنامه فرهیختگان و سایت روزیلاس منبع خبر را بخش خبری ساعت ۱۴ عنوان کردند. این فاجعه است. یا در خبر حمله تروریستی به شاهچراغ (ع) بخش خبری ۲۰:۳۰ به نقل از بی بی سی این اقدام را کار داعش اعلام می کند در حالی که اصلاً بی بی سی چنین خبری منتشر نکرده است! بعد مشخص می شود که خبر حادثه اول را اشتباه مشاهده کرده اند. در بخشی از بیانیه ادعا شده که خبرنگاران باشگاه خبرنگاران جوان برخلاف دوره گذشته که فقط گزارش هایشان در حاشیه بخش خبری ۱۹ پخش می شد الان فرصت پیدا کرده تا گزارش هایشان به شکلی حرفه ای در سایر بخش های خبری پخش شود. در حالی که همه می دانند گزارش های بچه های باشگاه علاوه بر مجله خبری در شبکه خبر و بخش خبری ۲۲ و خبر ۲۰:۳۰ و دیگر بخش های خبری هم با لوگو باشگاه پخش می شد. خلاصه کلام آقای وحید جلیلی که چهارسال قبل در تعبیری تند، روسای سابق سازمان صداوسیما همراه با معاون دفتر رهبری؛ آقای حسین محمدی را «گروه خشن» لقب داده بود امروز خودش به گروه نابودگر تبدیل شده است. رسانه ملی ملک آبا و اجدادشما نیست و شخص رهبرانقلاب هم بارها در سخنرانی های خود نقد بر رسانه ملی را قبول داشتند. به اعتقاد من خواسته یا ناخواسته تفکر دشمن وارد رسانه ملی شده و دشمن همان نفس آدمی است که اجازه تصمیم درست نمی دهد و خطاها را ترتین می کند و این ضربه به کشور می زند.

بخشی از تذکر رهبرانقلاب به مدیران صدا و سیما: «من می گویم اگر شما این برنامه را برای این آوردید که این جا خالی است، از شنوندگان عذر خواهی کنید و بگویید: شنوندگان! متأسفانه به قدر این یک ساعت، برنامه مناسب شما پیدا نکرده ایم؛ این یک ساعت تعطیل این، خیلی بهتر و پُر جاذبه تر و منصفانه تر است.»

گزارش | ماهنامه سراسری میدان آزادی



کشتار شبانه ۷۰ گاو شیرده توسط دامپزشکی شهرستان ری

بدوی) شکایت می کند و دستور موقت می گیرند تا فعالان امحاء دامها رخ ندهد و مدارک و مستندات مستدل مبنی بر بیماری دام ها ارائه شود. صاحب دامداری با حکم دیوان عدالت اداری به شعبه ۱۰۱ دادگاه فشافویه مراجعه می کند و این شعبه هم نامه ای به اداره دامپزشکی شهرستان ری می زند که تا تعیین تکلیف شکایت فعلاً اقدامی برای امحاء دام ها انجام نشود. اما اداره دامپزشکی شهرستان ری در اقدامی غیراخلاقی با دور زدن مقامات قضایی و با هماهنگی قاضی کشیک و نیروی انتظامی حسن آباد اقدام به بردن دامها به کشتارگاهی در اسلامشهر کرده و گاوها را ذبح می کنند و حدود چندین میلیارد تومان به دامدار ضرر وارد می کند. مصطفی ترک همدانی وکیل این پرونده می گوید: بر اساس دستور قضایی، اداره دامپزشکی حق امحاء نداشته است و طبق قانون مسئول مربوطه باید ضرر و زیان بدهد و از خدمت منصرف شود. ترک همدانی می گوید: ۱۸ میلیارد تومان ارزش ریالی گاوهای شیرده بوده که اقتصاد کشور را در حوزه لبنیات تامین می کرد. و این اقدام غیرقانونی ضرر جبران ناپذیری به چرخه لبنیات وارد می کند. حالا هم گوشت این گاوها خوراک کارخانه های سوسیس و کالباس می شود. در حکم دیوان آمده است: بر اساس ماده ۳۹ قانون مرقوم طرفین شکایت پس از ابلاغ دستور موقت، مکلف به اجرای سریع و کامل مفاد آن خواهند بود و متخلف یا متخلفین به انقضای از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارات وارده محکوم خواهند گردید. قرار صادره قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی است. حالا باید منتظر برکناری مدیر دامپزشکی شهرستان و تامین خسارت مادی و معنوی او باشیم.

ماجرای دامداری خانوادگی علی صفی نیا در حسن آباد فشافویه هم داستان و راستانی عجیب و غریب دارد که شاید برای مسئولان و مردم جالب باشد. سال ۱۳۸۶ صاحب گاوداری به دفتر یک وکیل مراجعه می کند و می گوید سازمان اوقاف (اداره شهرستان ری) در زمین کشاورزی او امامزاده ای علم کرده و برایش گنبد و بارگاهی ایجاد کرده است. وکیل پرونده را پیگیری می کند و پس از سالها و رسانه ای شدن آن از سوی سید هادی کسایی زاده (روزنامه نگار) بالاخره جعلی بودن امامزاده ثابت و دستور تخریب آن صادر می شود. حالا داستان دیگری برای این دامدار رخ داده که جای تامل دارد. ماجرا از این قرار است که اداره دامپزشکی شهرستان ری پس از بازدید میدانی از دامداری آقای صفی نیا اعلام می کند که تعداد ۷۰ راس گاو شیرده این دامدار مبتلا به بیماری بروسلوز (تب مالت) هستند و باید امحاء (ذبح) شوند. از آنجائیکه صاحبان این دامداری اغلب دامپزشک بودند سوال می کنند که معمولاً برای تشخیص تب مالت نیاز به آزمایش شیردام است و پزشکی قانونی از طریق خون دام ها به این تشخیص رسیده است و جای سوال دارد؟! خلاصه دامپزشکی اصرار بر نابودی دام ها دارد و دستور امحا را صادر می کند. صاحبان دامداری هم به دادگاه حسن آباد مراجعه می کنند و کارشناسان رسمی دادگستری تأیید می کنند که گاوها هیچ بیماری ندارند و سالم هستند اما باز هم دامپزشکی اصرار بر بیماری گاوها دارد. صاحب گاوداری با مراجعه به دیوان عدالت اداری از اداره دامپزشکی شهرستان ری طی شماره دادنامه ۲۳۸۲۸۹ (شعبه ۴۵